

چرا ارث زن نصف مرد است؟

می‌گویند قرآن در تقسیم ارث، سهم مردان را دو برابر زنان قرار داده و به این ترتیب بی‌عدالتی و جفای بزرگی در حق نیمی از بشریت روا داشته است و شاید همین نیمه‌نگریستن، موجب تحقیر زن از چشم مرد در جوامع اسلامی شده است. نظریه فوق، که معمولاً از جانب بسیاری از بانوان عنوان می‌شود، به نظر می‌رسد برای بسیاری از مردم مطرح باشد.

آنچه مسلم است، هیچ جزئی از اجزاء یک نظام اجتماعی، فرهنگی و دینی را بدون توجه به کل سیستم و سایر اجزاء آن، نمی‌توان مورد ارزیابی قرار داد. ارث نیز یکی از احکام نظام حقوقی اسلام است که در کنار سایر حقوق و در ارتباط با تکالیفی که این حقوق به وجود می‌آورند، مطرح می‌باشد. بدیهی است که حقوق و تکالیف همواره بر اساس نیازهای طبیعی و ضرورت زندگی تعریف می‌شوند و الزاماً شکل یکسان و مساوی ندارند.

به عنوان مثال، شما ممکن است برای یکی از فرزندان خود، که فرضاً در مرحله دانشگاه قرار دارد، چندین برابر فرزند کوچک‌ترتان، که ممکن است نزد شما عزیزتر هم باشد، خرج کنید و هزینه‌های به مراتب زیادتری برای ادامه تحصیلات و رفت و آمد او اختصاص دهید. طبیعی است که مقدار پول تو جیبی که والدین به فرزندان خود می‌دهند، با اینکه همه را یکسان دوست دارند، معمولاً یکسان نبوده و تابعی از نیازهای آنان به شمار می‌رود. در خانواده‌ی خدائی، زن مسئولیتی در تأمین مخارج زندگی ندارد و صد در صد هزینه‌های او مادام‌العمر به عهده مرد است. تا آنجا که برای کاری هم که در خانه انجام می‌دهد، حتی شیر دادن فرزند خود! حق مطالبه مزد دارد!

علاوه بر آن، مرد موظف است هنگام ازدواج "مهریه" ای را که محصول کار و تلاش سالیان قبل از ازدواج است، سخاوتمندانه تقدیم همسر خود نماید. و اصولاً مسئله "مهریه" به عنوان تضمین ازدواج، بیمه جدائی احتمالی و یا هر عنوانی که روی آن بگذارید، از ارکان ازدواج در نظام حقوقی اسلام به شمار می‌رود. (۱) اصولاً هدیه دادن و خرج کردن برای همسر از وظائف و فضیلت‌های مردان سخاوتمند شمرده می‌شود. آیا در چنین سیستمی، که همه مخارج به عهده مرد است و زن در صورت کسب درآمد می‌تواند همه آن را ذخیره یا سرمایه‌گذاری شخصی نماید، عادلانه است که سهم ارث آنان مساوی باشد؟ به علاوه،

مگر غیر از این است که سهم مردان باز هم صرف هزینه زندگی زن و فرزندان خود می‌شود و به گونه‌ای دیگر باز هم به آنان بر می‌گردد، در این صورت چه جای گله می‌ماند؟

حال اگر برخی مردان تکالیفی را که خداوند به عهده آنان گذاشته انجام نداده و حقوق زنان را پایمال می‌کنند، چه ربطی به دین خدا دارد؟ و این تخطی از وظیفه دو طرفه است. پس همواره لازم است حساب دینداران را از دین جدا کرد.

در جوامع غربی، نه مهریه‌ای همچون جوامع اسلامی وجود دارد، نه تفکیک کار در خانه و بیرون به رسمیت شناخته می‌شود. زنان نیز از صبح تا شام در خارج خانه باید کار کنند تا بتوانند اقساط خانه و اتومبیل و ... را پردازند.

طبیعی است در چنین نظامی، نیمه بودن ارث غیر عادلانه است و عدالت را در واقعیت همین نوع زندگی، هر چند غیر طبیعی و ظالمانه نسبت به زن، باید جستجو کرد و چه بسا سهم او، که هم وظیفه اداره خانه و تولید و تربیت فرزند را به عهده دارد و هم مجبور به کار در خارج خانه است، شایسته باشد دو برابر گردد! ... آیا مردان غربی قبول دارند! ...

پس چرا به جای اعتراض به آنها، به نظام حقوقی اسلام اعتراض می‌شود که مردان را خدمتگزار امور مادی زنان قرار داده و از بانوان تنها تمکین در امور زناشویی (رعایت عفت و اختصاص داشتن به شوهر) را طلب کرده است؟

آیا زن کشت زار مرد است؟

می‌گویند قرآن زن را بازیچه و وسیله هوسرانی و اطفاء شهوت مرد قرار داده و با این تبعیض جنسی و ندیده گرفتن نیمی از انسانها، به مرد اجازه داده است هر وقت هوس کرد با همسر شهمبستری کند! ... ادعا می‌کنند چنین نگرش یکطرفه‌ای با نظامات حقوق بشر در جهان امروز و عرف اجتماعی دنیای پیشرفته که آمادگی و رضایت دو طرف را مورد تأکید قرار می‌دهد مغایرت دارد.

متن مورد استناد مخالفین آیه ۲۲۳ سوره بقره به شرح ذیل است:

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

"زنان شما (همچون) کشتزار شما هستند، پس هر زمان خواستید به کشتزار خویش در آید و اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا پروا کنید و بدانید که به لقای او نایل خواهید شد؛ و اهل ایمان را (برای آن ملاقات) بشارت داده".

اگر ذهن خود را از پیشداوری‌های ناشی از تبلیغات مخالفین پاک کنیم و بی طرفانه و محققانه به متن فوق توجه نمائیم، می‌بینیم قضیه درست برعکس است، یعنی نه تنها مجوزی برای هوسبازی، در هر وقت و به هر شکل! به مرد نمی‌دهد، بلکه این ارتباط را با هدف تولید مثل موجه می‌شناسد. به توضیحات ذیل توجه فرمائید:

۱- تشبیه زن به کشتزار (حرث)، مقایسه‌ای است با تولید مثل در عالم گل و گیاه و اشاره به هدف بذرافشانی که چیزی جز برداشت میوه و محصول نیست.

۲- جمله: قدموا لانفسکم (برای خویش اثر نیکی از پیش بفرستید)، صریحاً نشان می‌دهد که هدف اصلی ارتباط زناشوئی، تولید و پرورش فرزندان شایسته است که دستاورد مفید و محصول طبیعی هر ازدواجی است. هر چند همبستری به قصد غیر تولید مثل هم ممنوع نشده است.

۳- تأکید آیه فوق به رعایت پروای الهی (اتقوا الله)، که معنای آن کنترل خویشتن و مهار نفس در غلبه شهوات و هوسهای مخالف حق می‌باشد، همچنین هشدار می‌دهد که در انتهای آیه به یادآوری ملاقات خدا (در روز حساب) داده تا غافلان را به خود آورد، همگی نشان می‌دهد که نه تنها به زن به عنوان کالای بهره‌برداری مرد نگاه نکرده، بلکه یکسره مردان را هشدار داده است تا به این موضوع به چشم بذرافشانی و پرورش گل در بوستان بشریت نگاه کنند. (۲) همچنانکه لذت از خوردنیها و حس ذائقه و تشخیص طعم و مزه را نه برای شکم پرستی و زیاده‌روی در خوردن، بلکه برای کسب انرژی و زنده ماندن و تلاش و تکاپو در مسیر رشد و کمال قرار داده است.

۴- آیه فوق، که دقیقاً به دنبال آیه‌ی مربوط به "عادت ماهانه"ی زنان آمده است، ظاهراً برای رفع توهمات تاریخی و بدبینی به این امر و ناپاک و نجس شمردن زن در این مدت (ناشی از عقاید یهودیان و زرتشتیان) می‌باشد. این آیه تأکید می‌کند که "عادت ماهانه" زنان فقط یک ناراحتی (اذی) است که در این مدت باید

از آمیزش جنسی خودداری کرد. و پس از آن، همچون کشتزاری که برای کشت و زرع به آن می‌روند، می‌توان به باغ و بوستان پرورش نسل در آمد.

۵- بشارت انتهای آیه بر مؤمنین (و بشر المؤمنین) مردان مؤمن را به حسن رفتار و سلوک پسندیده با زنان تشویق می‌نماید. آیا در هیچیک از کلمات آیه فوق (۲۲۳ سوره بقره) کوچکترین اشاره‌ای به مالکیت مرد نسبت به زن و حق هوسرانی یکطرفه به او (که اینهمه قرآن را به آن متهم می‌کنند) دیده می‌شود؟

آیا زن از دنده چپ مرد آفریده شده است؟

می‌گویند قرآن نه تنها حقوق زن، بلکه حتی موجودیت طبیعی او را بخشی از وجود مرد می‌داند و اصالتی ذاتی برای زن قائل نیست! این ادعا را مستند به اولین آیه سوره "نساء"، به شرح ذیل می‌کنند:

"يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا... (نساء: ۱)

"ای مردم، از پروردگارتان پروا داشته باشید که شما را از نفس واحده‌ای آفرید و از آن زوج او را آفرید ..."

عقیده آفرینش زن از دنده چپ مرد، که متأسفانه بسیاری از مردم گمان می‌کنند پایه اسلامی دارد، مطلقاً بی‌اساس است و از اسرائیلیات (افکار و عقایدی که توسط یهودیان مسلمان شده در سالیان نخست وارد این دین شده است) به شمار می‌رود. توضیح آنکه در تورات گفته شده است:

"خدا مرد را در خواب سنگینی فرو برد و یکی از دنده‌های او را جدا کرد و از آن زن را شکل بخشید. " (۳)

این عقیده به تدریج در میان توده‌های ناآگاه مسلمان، بدون آنکه از منشأ آن اطلاع داشته باشند، رسوخ یافته است. اما از آنجائی که آنرا منتسب به آیه فوق کرده‌اند، لازم است توضیحات ذیل را عرض نماید:

۱- مخاطب آیه، "ناس"، یعنی همه مردم هستند. نه فقط مردان (یا زنان). می‌گوید ما همه شما را از "یک جان" (نفس واحده) آفریدیم و زوج او را (یعنی جفت او را، چه مذکر و چه مؤنث) از همان (نفس واحده) خلق کردیم. پس هر دو از یک منشأ آفریده شده‌اند.

۲- منظور از "نفس واحده" در آیه فوق، اصل و منشأ نخستین نشانه حیات (سلول اولیه) است، از نظر علمی،

نزدیک به دو سوم عمر کره زمین، حیات در این سیاره یکدست و فاقد جنسیت بوده است، میلیونها سال پیش در اثر جهشی عظیم در چرخه تکاملی، "زوجیت" به وجود آمده و انتقال ویژگیهای نوعی توسط دو جنس نر و ماده انجام شده است. به نظر می‌رسد منظور از "نفس واحده"، سلول واحدی است که بعدها جنس ماده از آن منشعب شده و در عالیترین و پیچیده‌ترین نوع خود به انسان رسیده است.

۳- اگر بر حسب اساطیر و اقوال تاریخی، زن از وجود مرد خلق شده، و بنا به تصور غالب، "آدم" اولین بشر روی زمین بوده است (۴)، در این صورت لازم بود در آیه فوق گفته می‌شد زن را از وجود حضرت آدم خلق کردیم! نه از نفس واحده (سلول نخستین).
در هر حال زن و مرد، یک روح در دو قالب و با دو نقش و وظیفه هستند، هیچیک را بر دیگری فضیلتی ذاتی، مگر در عمل شخصی خودشان نیست.

آیا مردان نزد خدا برتر از زنان‌اند؟

می‌گویند آیه ۳۴ سوره نساء (به شرح ذیل) با تبعیضی آشکار، برتری عقلی مرد نسبت به زن و شایسته‌تر بودن او را در مدیریت بر زن و ریاست خانواده بیان کرده و از زنان خواسته است تسلیم و تابع فرمان شوهرهای خویش باشند!

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...

مردان ایستاده (مراقب و محافظ) بر زنان‌اند، به دلیل اینکه خداوند بعضی را بر بعضی دیگر (در معدل کلی) برتری بخشیده است و به خاطر آنچه از اموالشان خرج می‌کنند ...

اولاً در آیه فوق کوچک‌ترین ذکری از "تفاوت ارزشی" و برتری عقلی و ذاتی مرد نسبت به زن نشده، بلکه تنها بر "قوام" بودن مردان به عنوان یک واقعیت عینی، نه تحمیل الهی، اشاره شده است.

معنای "قوام"؛ کارگزار، مدافع و مراقب و ایستاده‌است، که به نفع زنان، و در خدمت آنهاست، نه علیه آنان. همچنانکه در عالم حیوانات نیز مشاهده می‌گردد، جنس نر همواره نقش مراقبت و محافظت از ماده را در مقابل خطرات ایفا می‌نماید. با این تفاوت که زمینه‌نگهبانی و نگهداری در مورد نوع انسان بسی گسترده‌تر است.

فعل حالیه "قوام" در آیه فوق، دلالت بر حالت موجود و وضعیت طبیعی جوامع بشری می‌کند، نه الزام و اجبار دینی و حکم و فرمان الهی. این امر به دلایل تاریخی و طبیعی و به شهادت تاریخ، ناشی از دو دلیل می‌باشد:

۱- برخی برتری‌های جنس مذکر (البته به طور متوسط و در معدل کلی) که در موضوع قوام و مراقب و مدیر بودن مؤثر است. همچون: افزونی نیروی جسمی، کمتر تحت تأثیر احساسات قرار داشتن و مآل اندیشی دورتر.

۲- عهده‌دار بودن تأمین مخارج خانواده و اداره اقتصادی زندگی مشترک.

بدیهی است در هر واحد اجتماعی، وظیفه سرپرستی و مدیریت به عهده کسی گذاشته می‌شود که: اولاً برای این نقش (نه همه نقش‌ها و مسئولیت‌ها) توانائی و استعداد بیشتر داشته باشد، ثانیاً اداره مالی زندگی را به عهده گرفته باشد.

در کانون خانواده نیز، مردان، نخست به دلیل فزونی نیروی جسمی و تجربه علمی بیشتر در متن اجتماع و میدان‌های کسب و کار، و دوم، به دلیل آنکه وظیفه تأمین هزینه‌های زندگی به دوش آنهاست، چنین بار سنگینی به عهده آنان گذاشته شده است و از آنجائی که هیچ تکلیفی بدون حقوق متقابل و هیچ وظیفه‌ای بدون اختیار منطقی نیست، قبول چنین مدیریتی را برای ارائه خدمات شایسته، از زنان خواسته شده است.

متأسفانه بسیاری از بانوان و آقایان نیز! چنین می‌پندارند که این قوامیت (سرپرستی و مراقبت)، برتری و امتیازی است که خداوند به مردان عنایت کرده! و نتیجه می‌گیرند که خداوند مرد سالاری را امضاء کرده است! ... در حالی که قرآن در دهها آیه برتری و فضیلت را فقط در نیروی خویشتن‌داری در برابر زشتی‌ها (تقوا) به رسمیت شناخته و هیچ برتری ذاتی و جسمی را نپذیرفته است.

اگر در مسئله نگهبانی و نگهداری خانواده (قوام بودن)، مردها به طور نسبی بر زنان برتری‌هایی دارند، در بسیاری از زمینه‌ها، زنان نیز فضیلت‌های آشکاری نسبت به مردان دارند که متناسب با نقش و وظیفه طبیعی آنان در زندگی می‌باشد.

نکته دیگر اینکه آیه فوق، بیانگر وضع موجود جوامع بشری در زمان نزول قرآن می‌باشد. بدیهی است چنانچه به دلایلی اجتماعی، تغییراتی در نقش و وظیفه هر یک از طرفین حاصل شود (همچون جوامع غربی)، و هر دو طرف در تأمین مخارج خانواده مشارکت نمایند و زنان نیز در ارتش و پلیس و ... و کارهای سخت وارد گردند، مقدمات چنان حکمی تغییر می‌کند و دلایلی که برای چنان مدیریتی عنوان شده بود منتفی می‌گردد. البته در این شرایطی باید دید اغتشاش در نظام خانواده و به هم خوردن سیستم تقسیم کار، بر حسب توانائی‌ها و استعدادهای دو طرف، در نهایت به نفع زنان شده، یا باری دو چندان بر دوش‌های ضعیف آنان قرار داده و اساس خانواده را به عنوان رکن اصلی جامعه متزلزل ساخته است؟

۱- قرآن مهریه را با عناوین مختلفی همچون: "اجر" (پاداش و مزد)، صُدُقَات و .. بیان کرده است. نگاه کنید به: نساء ۴ و ۲۴ و ۲۵، مائده ۵، احزاب ۵۰، ممتحنه ۱۰، طلاق ۶.

۲- دلیل آنکه به مرد گفته شده است هر زمان می‌تواند وارد مزرعه خود شود، و چنین توصیه‌ای به زن نشده است، به نظر می‌رسد زمینه‌ای ذاتی و طبیعی داشته‌باشد. همچنانکه در عالم گیاه و حیوان، همواره جنس نر (مذکر) سراغ ماده (مؤنث) می‌رود و خواهش و خواستن از اوست، در عالم انسان نیز وضعیت روحی و مصلحت اجتماعی چنین حکم می‌کند.

۳- عنوان "آدم ابوالبشر" (آدم، پدر بشریت) از عناوینی است که پایه‌ای قرآنی ندارد. قرآن تصریح کرده است که خداوند آدم را، همچون: نوح، آل ابراهیم و آل عمران از میان مردم جهان برانگیخته است (آل عمران ۳۳). یعنی آدم، در میان انسانهای معاصر خود، اولین کسی بوده است که شایستگی اختیار و انتخاب پیدا کرده و به اصطلاح "آدم" شده است!

۴- تورات - بهشت زمین آیه ۲۱ - مسلم است چنین سخنی کلام الهی و گفته حضرت موسی نیست و توسط کسانی که قرن‌ها بعد سینه به سینه سخنان آن حضرت را نقل کرده‌اند، بیان شده و طبیعی است دیدگاه و دانش آنان در این انتقال بی‌تأثیر نبوده است.